



تجربه ای شگرف با حضور در مراسم آیینی

پیر شالیار در سرزمین اهورا



منطقه **هورامان** زادگاه و مهد پرورش افراد سختکوشي است که استقامت را از کوه‌هاي سر به فلک کشيده آن و لطافت طبع را از انواع گل‌هاي زيباي دامنه‌هاي کم نظير رشته کوه‌هاي **زاگرس** به ارث برده‌اند.

واژه "**هورامان**" از دو بخش "**هورا**" به معني اهورا و "**مان**" به معنای خانه و جایگاه و سرزمین تشکیل شده است، بنابراین هورامان به معنای سرزمین اهورایی و جایگاه اهورا مزدا است. "**هور**" در **اوستا** به معنی **خورشید** آمده و هورامان جایگاه خورشید نیز معنی می‌دهد.

سالگرد عروسی زوج‌ها شاید روزی فراموش شود اما بازماندگان پیرشالیار که تباری کرد و مذهبی زرتشتی داشت، پس از ۱۰۲۰ سال، هر زمستان و بهار سالگرد ازدواجش را جشن می‌گیرند.

شهریار (شالیار) در سرزمینی داماد شد که برف‌های جاده‌اش جز ردپای گِگ و پلنگ و روباه رد پای هیچ جنبنده‌ای را ثبت نکرده است. شهریار برای عروسی که دختری پادشاه بخارا را یدک می‌کشید با دستان خود خانه‌ای ساخت و در خانه‌اش آتش ترشینه‌ای با دانه‌های انار، بلغور، گوشت و چربی پخت. از سَنَدج تا خانه اهورامزدا، اورامان، برف مهمان رشته‌کوه‌های زاگرس است. خانه‌هایی از سنگ کوه که بی‌هیچ ملاتی در شیب تند یکی از کوه‌ها زاگرس جا خوش کرده‌است ۱۲. بهمن، آغاز سالگرد عروسی پیری است که هزار سال از عروسی‌اش می‌گذرد و یونسکو در انتظار ثبت آن در فهرست میراث معنوی جهان است. صبح صدای اذان از مسجد روستا، مهمان گوش‌های مهمانان ناخوانده عروسی پیر و مردم روستا می‌شود. (مسجدي که به دست تهراني بي خبر از معماری اوراماني ساخته شده است).

یکی از آیین‌هایی که در ارتباط با جشن **سده** است، آیین **پیر شالیار** است که در روستای "اورامان تخت" کردستان برگزار می‌شود. جشن عروسی پیر شالیار (زماون) در روستای "اورامان تخت" در ۲ نوبت برگزار می‌شود که یکی از آنها برابر با جشن سده است. در رابطه با برگزاری این جشن، افسانه‌ای وجود دارد که گزیده آن، چنین است:

حدود ۱۰۰۰ سال پیش، در بخارا پادشاهی زندگی می‌کرد که دختری کر و لال داشت و هیچ حکیم و جادوگری نتوانسته بود او را معالجه کند، از سوی دیگر در منطقه اورامان کردستان، مردی مقدس به اسم پیرشالیار زندگی می‌کرد که دارای معجزه و کرامات بود و شهرتش عالمگیر. چون خبرش به پادشاه رسید، دخترش را به همراه برادرش (برادر پادشاه) راهی منطقه کرد. آن دو وقتی به نزدیکی روستا می‌رسند، دختر احساس می‌کند که شنوایی‌اش را به دست آورده است.

پیر شالیار از ورود آنها با خبر بود و به پیشواز آنها آمد. هنگامی که آن دو به خانه پیر نزدیک می‌شدند ناگهان از بالای کوه نزدیک آبادی، دیوی نعره‌کشان به درون دره می‌افتد و با افتادن دیو، زبان دختر نیز بهبود پیدا می‌کند.

در این هنگام پیر شالیار به برادر پادشاه می‌گوید: دو دیو گوش و زبان دختر را جادو کرده بودند و من با تیرهای غیبی آنها را نابود کردم.

از آنجا که پادشاه گفته بود هر کس بیماری دختر را معالجه کند می‌تواند با او ازدواج نماید، دختر به همسری پیر در می‌آید. چون پیر شالیار از مال دنیا چیزی نداشته، اهالی کمک می‌کنند و برایش عروسی مفصلی می‌گیرند. در این عروسی هرکدام از طوایف، بخشی از هزینه‌ها و کارهای عروسی را برعهده می‌گیرند. پیر نیز قبل از مرگش وصیت می‌کند که تا آخر دنیا مراسم سالگرد عروسی‌اش را همه ساله برگزار کنند.

اورامانی‌ها پشت بام و حیاطشان یکی است. روستایی با قدمت چند صد ساله، با یادگارهای زرتشتی و پیر شالیارش. **پیر شالیار** اورامانی‌ها مغی است که **دین زرتشت** را تبلیغ می‌کرد. او پسر **جاماسب** بود که با دختر پادشاه **بخارا** ازدواج کرد.

جشن عروسی پیر شالیار (شهریار) مراسمی بسیار کهن و اساطیری است. مردم عقیده دارند پیرشالیار بیمارانشان را شفا می‌دهند. رقص سماع یکی از پایه‌های اصلی عروسی پیر شالیار است.

چله کوچک که آغاز می‌شود اورامانی‌ها هم خود را برای جشن سه مرحله‌ای و سه هفتگی پیر شالیار آماده می‌کنند. اولین هفته بهمن‌ماه است و وقت فرستادن گردهای چیده شده باغ پیر شالیار، برای اهالی است. به این ترتیب اهالی از شروع مراسم با خبر

می‌شوند. شب چهارشنبه بعد است و دومین مرحله مراسم. بچه‌های روستا پیش از طلوع آفتاب به پشت بام آمده‌اند. اشعار را می‌خوانند هدایایی از اهالی می‌گیرند. خبر از برآمدن خورشید و آغاز مراسم قربانی است. با طلوع اولین اشعه آفتاب، نوبت ذبح گوسفندان و گاوهای قربانی در بین اهالی. شب همه مردان در خانه پیر جمع شده، گروه گروه در جایگاه مخصوص طایفه خود نشسته‌اند و برای تبرک رشته تسبیح چوبین دانه درشت و تخت گیوه به جای مانده از پیر را می‌بوسند. مراسم نواختن دف و گفتن ذکر آغاز شده است.

سومین جمعه بهمن‌ماه فرا رسیده. مردان نانهایی را که به شکل قرص‌های طلایی رنگ از آرد گندم و مغز بادام کوبیده تهیه و با گیاهان خشک چون ریحان و سیاه‌دانه تزئین شده است، بر سر مزار پیر شالیار می‌برند و پس از جمع شدن بر سر مزار پیر، نان‌ها را روی هم می‌ریزند و آنها را خرد کرده‌و با ماست بین حاضران تقسیم می‌کنند. در این مراسم کتاب مغرکه الپیرشالیان و تسبیح و کلاه او را به بیگانگان نمی‌دهند و تنها دست به دست مردم روستا که به آداب دین زرتشتی واردند می‌چرخد. (کلمات کتابش ضرب‌المثل اورامانی هاست.)

هر سال در **دومین هفته اردیبهشت**، اهالی اورامان و رستاهای مجاور به رسم تبرک و برای شفای بیماران قطعه‌ای از تخته سنگ کنار مزار پیر شالیار را می‌کنند و با خود می‌برند و بر این باورند که کرامت و پیر شالیار باعث تبرک این سنگ شده و هر سال دوباره سبز خواهد شد.



پیر شالیار هم زمان با **جشن سده** بر پا می‌شود و یادگار روزگار پرستش مهر در این سامان است. مراسمی که در آن ایزد مهر برکت بخشنده را در چهلمین روز زایشش، در آن هنگام که زمین آغاز به دم زدن می‌کند و گوسفندان بار بر زمین می‌نهند، می‌ستاید و با ریختن خون قربانی یاد ایزد حامی دهقانان و تولیدکنندگان را که با کشتن گاو باعث برکت کشت و دام و روییدن رستنی و گیاهان سودمند و خرمی و شادی ما در زمین می‌گردد، گرامی می‌دارد و پیروان او در مهرابه‌های باستانی بقایای متبرک را که در شمعدان سنگی است بر سکوهایی چوبی پاس می‌دارند در خلال انجام مراحل مختلف مراسم که از چهارشنبه تا پنجشنبه شب به طول می‌انجامد در خانه پیر به روی مردم باز است و هر کسی می‌تواند برای زیارت تخت گیوه و تسبیح پیر که از او به یادگار مانده است وارد منزل شود .

بعد از نماز ظهر درویش قادری که به طور عمده از اهالی روستاهای اطراف و روستاهای مرزی عراق که از سه‌شنبه شب به این محل آمده‌اند بر بام خانه پیر حلقه زده و با آوای عرفانی دف شروع به ذکر و سماع می‌کنند .

بنا به اعتقاد این مردم روستای " هورامان " زمانی شهر بزرگی بوده و مرکزیت خاص داشته است و به همین دلیل از آن به عنوان تخت یا مرکز حکومت ناحیه هورامان یاد می‌کنند . وضعیت خاص روستا از نظر معماری، موقعیت جغرافیایی، چشمه‌های پر از آب و همچنین مراسم خاص، آداب، رسوم و وجود مقبره و مسجد پیرشالیار به ویژه جمعیت و تعداد سکنه قابل توجه آن نشانگر اهمیت آن در زمان **ساسانیان** است .

ویژگی های توریستی اورامان:

کردستان اصلی ترین محل زندگی قوم کرد است. این استان که در غرب کشور واقع شده درپهنه طبیعی خود دنیایی از زیبایی و تنوع را به گردشگران و طبیعت دوستان عرضه می کند. این منطقه با انبوه کوهستان ها و دشت های پهناور خود گیاهان و جانوران متنوعی را دربر گرفته است و چشم انداز جنگل های زاگرس، منطقه ای به یاد ماندنی برای طبیعت دوستان به وجود آورده است.(استان کردستان در بهار و تابستان آب و هوایی خنک و معتدل دارد و در زمستان و پاییز سرد و یخبندان است.)

اورامان ناحیه وسیعی است که سراسر جنوب استان کردستان را دربر گرفته و یکی از مناطق خوش آب و هوای استان کردستان است که با توجه به کوهستانی بودن از نظر استعدادهای توانمندی های گردشگری و مواهب خدادادی دارای ویژگی های نادری است

برخی از این چشم اندازها و جاذبه های گردشگری در اورامان شامل چشم انداز دربندزلی و ارتفاعات و دامنه ای سرسبز آن، آبشار ملورو مناطق پیرامون آن که دارای آبی زلال است حاصل ذوب برف های ارتفاعات بالا دست آن است.

روستای اورامان تخت:

روستای اورامان تخت، در ۶۰ کیلومتری جنوب خاوری مریوان قرار گرفته که از گذشته ایام، به عنوان مرکزیت منطقه محسوب می شده و در میان اهالی به عنوان شهر و تخت پادشاهی منطقه شناخته شده است. ضمناً کوه جنوب روستا که مهم ترین بیلاق این سرزمین است، به نام تخت خوانده می شود. معماری محل، خشکه چین چند طبقه در بر کوه است و با توجه به وجود قبور متبرکه ای که در میان تمام اورامی ها مقدس است، هرساله تعداد زیادی گردشگر و همچنین اهالی منطقه به آن سفر می کنند و در مراسم خاصی چون «پیرشالیار» رسوم کهن را به جا می آورند. همچنین شیب تند محل، باعث معماری خاص آن شده که در حد خود بی نظیر بوده و به عنوان یکی از روستاهای دارای ارزش بافت معماری قابل نظر است. از آثار تاریخی محل، به قلعه اورامان که بر بلندی پشت روستای اورامان و نزدیک روستای سر پیر واقع شده و بقایای یک قلعه سنگی، آب انبار و حصار می توان اشاره کرد. همچنین منزل پیرشالیار در داخل روستا از دیگر آثار با ارزش منطقه به شمار می آید این روستا از توابع بخش اورامان، شهرستان سروآباد در استان کردستان قرار دارد. این روستا از طرف جنوب غربی به ارتفاعات اورامان تخت و از طرف شرق به ارتفاعات کومالان محدود می شود.

معماری روستا:

بافت این روستا از لحاظ معماری به صورت پلکانی در شیب تند ساخته شده است و پشت بام منزل پایین به منزله حیاط خانه بالاست. دیوار خانه هایی که در این روستا ساخته شده اند به صورت خشک چینی یعنی بدون استفاده از ملات و به طور هنرمندانه چیده شده اند. مهم ترین مصالح مورد استفاده در ابنیه این روستا سنگ و چوب است .

از آن جایی که روستای اورامان تخت در زمان های قدیم مرکز فرمانروایی سلاطین محلی بوده است، این روستا را تخت یعنی پایتخت و مرکز سلطنت نامیده اند. بقایای آتشکده های زرتشتی در حوالی روستا نشانگر آن است که مردم این منطقه پیش از اسلام پیرو آئین زرتشت بوده اند. مردم این روستا به زبان کردی اورامی سخن می گویند.

چشم انداز فرهنگی اورامان:

در زبان مردم منطقه هنوز از واژه های پهلوی ساسانی به چشم می خورد. یکی از چشم اندازهای فرهنگی اورامان جشن پیرشالیار است. گروهی آن را از شخصیت های قبل از اسلام می دانند و گروهی آن را بعد از اسلام دانسته و سکونتش را در روستا حدود 900 سال قبل می

دانند. درباره ایشان حکایتی وجود دارد که می گوید: در زمان های بسیار دور در بخارا پادشاهی زندگی می کرد که دختری داشت به نام "بهار نار خاتون" این دختر کر و لال بود و تمام حکما نتوانسته بودند بیماری دختر را علاج کنند.

از سوی دیگر در منطقه اورامانات کردستان مردی به نام پیر شالیار زندگی می کرد که صاحب کرامات معجزات بود و شهرتش عالمگیر شده بود. چون خبر معجزات پیر شالیار به بخارا می رسد، شاه دخترش را همراه با برادرش به نام شالیار سیاو و عده ای دیگر به منطقه اورامانات کردستان می فرستند. آنها وقتی به نزدیکی روستایی که پیر در آن زندگی می کند می رسند، دختر پادشاه احساس می کند که گوشش شنوایی خود را به دست آورده و صداها را می شنود.

غار قوری قلعه: (یکی از زیباترین و با ارزش ترین غارهای آبی جهان با ۶۵ میلیون سال قدمت):

این غار با شهرت جهانی در نزدیکی يك روستا به همین اسم و تقریباً در ۹۲ کیلومتری کرمانشاه در جاده کرمانشاه - پاره قرار گرفته است. (۲۵ کیلومتری پاره) به تعبیری این غار بزرگترین غار آبی آسیا و طولانی ترین غار آبی در ایران است. (طول این غار ۱۳ کیلومتر تخمین زده شده است) این غار یکی از بی نظیر ترین غار های آهکی جهان و همین جنس باعث شده که از شکل پذیری فوق العاده ای برخوردار باشد. (در تابستان ۱۳۶۸ غارنوردان کرمانشاه تا عمق ۱۳۴۰ متری غار را شناسایی کردند. این غار در گذشته مورد توجه اکثر غارنوردان مختلف از کشورهای هم چون آمریکا، انگلیس، فرانسه در سالهای ۱۳۳۶، ۱۳۴۵، ۳۶۳ که تا عمق ۵۵۰ متری غار را شناسایی کرده اند قرار گرفته است.

سلسله **پارتیان** (Parthian) یا **اشکانیان** (Arsacid)، پس از مادها (Median) و هخامنشیان (Achaemenid)، سومین امپراتوری آریایی سرزمین ایران است که با در هم شکستن سلوکیان (Seleucids)، سرزمین ایران را از آخرین بازماندگان اسکندر بازپس گرفت. مرزهای قلمروی آنها - در اوج قدرت - از امپراتوری چین تا امپراتوری روم را شامل می شده است.

وجه شناسایی اشکانیان خصوصاً در تاریخ غرب، نبردهای آنان با **امپراتوری روم** (Roman Empire) است. اشکانیان مرزهای امپراتوری روم را به کاپادوسیا (Cappadocia) محدود کرده بودند. آنچه جنگهای اشکانیان در برابر رومیان را برای مورخان غربی جالب توجه کرده است، پیروزی های اشکانیان به علت سواره نظام زره پوش و استراتژی نظامی خاص آنها است.

به نقل از **منابع** تاریخی غرب، در سال ۵۵ قبل از میلاد، **کراسوس** (Marcus Licinius Crassus) امپراتور روم، در پی گسترش قلمروی روم برمی آید. در این بین پیروزی بر پارتیان را افتخار آمیزترین می پندارد و با سپاهی عظیم، و همچنین با کمک حاکم ارمنستان -

که در آن زمان بخشی از امپراطوری ایران بود - از راه سوریه به مرزهای ایران هجوم می آورد. شاه اشکانی ، ارد دوم ، سپاهش را به دو بخش تقسیم می کند . بخش اول ، که اکثرا شامل سربازان پیاده نظام بود را برای تنبیه ارمنیان به ارمنستان فرستاد . و بخش اصلی سپاه را که علاوه بر ۹۰۰۰ **سوار کماندار** ، ۱۰۰۰ **سوار زره پوش** را نیز شامل می شد ، به فرماندهی **سورنا** (Surenas)، به جنگ متجاوزین رومی می فرستد. شمار سپاهیان کراسوس در این میدان بالغ بر ۲۲۰۰۰ نفر بود! سپاهیان در شهری به نام "کارها (Carrhae)" به هم می رسند و نبرد سختی در می گیرد. در نهایت رومیان به سختی شکست می خورند. ۲۰۰۰۰ کشته ، ۱۰۰۰۰ اسیر و ۴۰۰۰ زخمی ، بخشی از دستاورد کراسوس در تجاوز به قلمروی ما بود . مورخان اروپایی در برابر این پرسش که " تلفات پارتیان چقدر بوده ؟ " تنها یک پاسخ داده اند " **تقریبا هیچ !** " این مورخین پس از بررسیهای تاریخی علت پیروزی مطلق پارتیان را در دو چیز می دانند: یکی **زره-پوشان** و دیگری **کمانداران ورزیده سبک اسلحه** پارتی.

سواره نظام زره پوش : (heavy cavalry) اگرچه که استفاده از زره آهنین برای حفاظت از جنگجویان در دورانهای قبل از اشکانیان ، و در سرزمین های دیگر نیز متداول بوده است اما زره های قدیمی تنها برای محافظت از قسمت های مهم بدن همچون سر و سینه مورد استفاده قرار می گرفت. "سنگین- زره پوشان" اشکانی بخش برگزیده (elite members) سپاه ایران را در زمان سورنا تشکیل می دادند. خاصیت این



زره ها این بود که تمام بدن را می پوشاند به طوری که هیچ قسمتی از بدن سرباز دیده نمی شد. این اولین بار بود که چنین زرهی در دنیا **اختراع** شده بود و حتی کهنه کار ترین جنگجویان رومی نیز در تمام سوابق خود ، چنین زرهی ندیده بودند. بعدها این زره توسط ساسانیان تقویت شد و چنان مورد توجه رومیان قرار گرفت که **Ammianus Marcellinus** سوار زره پوش پارسی را چنین با تعجب تصویر می کند : " **شوالیه** (knight) پارسی لباسی تمام آهنین دارد. تمام اعضای بدن او در میان ورقهای فلزی پوشیده اند و در بین اعضا ، مفاصلهای فلزی قرار دارند، با مهارت تمام ،جمجمه ای فلزی سرش را فرا گرفته است. هیچ پیکان و نیزه ای در او اثر نمی کند . شاید تنها راه نفوذ بر آن، باریکه کوچکی باشد که از طریق آن می بینند و یا سوراخهای ریزی که برای تنفس تعبیه شده اند. و نیز اسبهایشان توسط پوشش چرمین محافظت می شوند . "زره اشکانی بهینه سازی شده در دوره ساسانی ، دقیقا در طاق بستان کرمانشاه تصویر شده است. چندی بعد این نوع زره توسط **شوالیه های رومی** مورد استفاده و بهینه سازی قرار گرفت و تا قرون وسطا متداول بود.



استراتژی نظامی خاص اشکانیان ، **جنگهای نامنظم** توسط فرمانداران ورزیده بود که شالوده ارتش اشکانی را تشکیل می دادند. گروههای سوارکار سبک-اسلحه ، در سپاه اشکانی تربیت می شدند که سوارکاران چالاک و فرمانداران قابل بودند و می توانستند در حال سوارکاری ، از هر سوئی، هر هدفی را نشانه روند . علاوه بر این ، تمرینات گروهی پیوسته آنها ، در میدان نبرد ، الگوهای نامنظم ولی هدفمندی از حرکت اسبها را ایجاد می کرد، که به نحوه ای غیر قابل پیشبینی ، به هر سمت و سوئی می تاختند و به طور فردی یا گروهی شلیک می کردند. تاکتیک تفکیک شدن سپاه عظیم اشکانی به گروههای متعدد سوارکاران پارتی ، که به هر طرف می تاختند ، باعث از هم گسیختن لژیون روم شده و با توجه به برتری های فردی و گروهی اشکانیان ، پیروزی را نصیب آنها می کرد. این تاکتیک در غرب **Parthian shot** نامگذاری شده است **پارتیزان** (partizan) واژه ای فرانسوی است و می نماید که از نام **پارتیها** (Parthian) گرفته شده باشد. پارتیزان به رزمنده جنگهای نامنظم می گویند. شناخته شده ترین جنگهای پارتیزانی در جنگ جهانی دوم بود که مردمان سرزمینهای اشغالی به دست آلمانیها ، رو به نبردهای پارتیزانی آوردند. پارتیزانها دارای نظم یک سرباز ارتشی نیستند و برای آرمان ویژه ای نبرد می کنند. در نبردهایشان کمتر نشانی از سامانه های به روز ارتشها می توان دید. بیشتر آماج ایشان آزار دشمن و زخم زدن به آنهاست. بیشتر رویه پارتیزانهای پدافندی است تا تازشی. امروزه در ارتش ایران و سایر نهادهای رسمی کشور همچون صدا و سیما ، به جای واژه **جنگ پارتیزانی** ، از **جنگ اشکانی** استفاده می شود که قابل تحسین است.

طاق بستان و پیشینه کرمانشاه:

استان کرمانشاه یکی از پرجاذبه ترین منطقه گردشگری غرب کشور با بیش از ۲۴ هزار کیلومتر مربع مساحت، پانزدهمین استان وسیع کشور به شمار می آید. این استان پهناور با آثار متنوع تاریخی، فرهنگ و آداب و رسوم خاص با دو میلیون جمعیت یکی از پرجمعیت ترین استان های غرب کشور محسوب می شود.

این استان تاریخی و فرهنگی با روستاهای زیبا و جاذبه های طبیعی فراوان و گونه های وحش و همچنین طبیعت بکر، دشت های وسیع و کوه های سرافراز همچون نگینی در غرب کشور می درخشد.

استان کرمانشاه دارای آب و هوای معتدل کوهستانی با ۱۴ شهرستان و ۲۹ بخش و ۸۵ دهستان در میانه ضلع غربی کشور قرار دارد، ارتفاع این استان تاریخی تا سطح دریای آزاد ۱۴۲۰ متر است. برخی از مورخان به لحاظ تعداد آثار تاریخی استان کرمانشاه را اولین زیست گاه بشر و موزه تاریخ تمدن نامیده اند، به طوری که کاوشگران اولین منطقه ای را که انسان ها از غارنشینی به یکجانشینی روی آورده اند و موجب پیدایش اولین تجمع انسان ها در مکانی به نام روستا شکل گرفته اند، استان کرمانشاه بوده است. وجود آثار تاریخی همچون کتیبه های بابلی و آشوری و نقش برجسته های این دوران خود مؤید و بیانگر پیشینه کهن این استان است.

مورخان در دامنه کوه طاق بستان از شهری باستانی به نام گبادنه نام آورده اند . در روزگار **ساسانیان** شاهنشاهان ایران توجه بسیاری برای کرمانشاه قائل بودند و کرمانشاه شبه پایتخت امپراتوری ایران به حساب می آمده است . در پیش از ساسانیان هم **هخامنشیان** احترام خاصی برای این شهر باستانی آریایی قائل بوده اند . تمامی آثاری که دهها شاهنشاه ایران محل آن را در کرمانشاه انتخاب نموده اند حکایت از این جریان دارد . پادشاهان ماد (بیستون) - داریوش بزرگ (بیستون) - شاه گودرز (بیستون) - بلاش اشکانی (بیستون) - میتراکات دوم اشکانی (بیستون) - **خسرو پرویز ساسانی** و اسب شبدیزش (**طاق بستان**) - اردشیر دوم ساسانی (طاق بستان) - یزدگرد ساسانی (طاق گرا و قلعه یزدگرد در کوههای زیبای دالاهو) - قباد اول ساسانی (طاق بستان) پادشاهان امپراتوری اشکانی (معبد بزرگ آناهیتا کنگاور) و . . . همگی مشهور ترین آثار ایران است که در کرمانشاهان قرار دارد . جدای از آنکه شکارگاههای بسیاری از شاهان ایران نیز در این سرزمین بوده است . در کتب اسلامی به کرات آمده است که شاه خسرو انوشیروان دادگر در اطراف طاق بستان قصرهای باشکوهی بنا کرده است که از امپراتور چین و قیصر روم در آنجا پذیرایی میکردند . خسرو پرویز نیز در این منطقه باغ بیلاعی بزرگی بنا نمود که به باغ قصور و عمارت عالیه نام گرفته بود . داریوش بزرگ شاهنشاه مقتدر جهان آن روزگار علاوه بر آثار جهانی اش در

بیستون جاده ای بین المللی از بابل به نینوا و سارد و کرمانشاه به همدان ایجاد کرد که بسیار دارای اهمیت در آن روزگار بوده است . باقی مانده این جاده هنوز مشهود می باشد .

مورخین و جغرافی نویسان دوره اسلامی ضمن توصیف سنگ نگاره‌های طاق بستان، از این محوطه با نامهای متفاوتی یاد کرده‌اند، بطوریکه ابن فقیه و ابن رسته این مکان را " شب‌دیز " و یاقوت آن را " قصرشیرین " نامیده است .

همچنین حمدالله مستوفی آنجا را " طاق وسطام " عده‌ای دیگر آن را " طاق بهستون " ، " طاق بیستون " و " تخت بستان " نامیده‌اند . اهالی محل نیز محوطه را با نام " طاق وسان " و " طاق بسان " می‌شناسند زیرا " سان " در لفظ محلی به معنی سنگ است و به این ترتیب " طاق وسان " یعنی طاقی که در سنگ کنده شده است .

امروزه نیز در اکثر محافل ایران شناسی از این مکان با نام " طاق بستان " یاد می‌شود .

سنگ نگاره اردشیر دوم :

در سمت راست ایوان کوچک ، سنگ نگاره‌ای وجود دارد که صحنه تاج ستانی اردشیر دوم (۲۷۹ - ۲۸۳م) نهمین شاه ساسانی را نشان می‌دهد، در این صحنه، شاه ساسانی به حالت ایستاده با صورتی سه ریبی و بدنی تمام رخ در مرکز صحنه نقش شده که دست چپ را بر روی قبضه شمشیر گذاشته و با دست راست حلقه روبان داری را از اهورا مزدا می‌گیرد .

شاه ساسانی چشمانی درشت و ابروانی برجسته دارد، ریش او مجعد و موهای سرش به صورت انبوه بر روی شانه‌ها آویخته شده، وی گوشواره‌ای بر گوش و گردنبندی در گردن و دستبندی بر مچ دارد .

گوشواره او به شکل حلقه مدوری است که گوی کوچکی به آن آویزان است، گردنبند او نیز شامل یک ردیف مهره‌های مرواریدی درشت است .

شاه تاجی بر سر دارد که در قسمت پایین آن به صورت نوار ساده‌ای است و قسمت بالایی تاج به شکل کوریمبوسی است که بخشی از موهای سر به صورت انبوه در آن قرار گرفته و به وسیله دو رشته روبان بسته شده است، همچنین به تاج شاه در قسمت پشت، روبانی آویخته شده است .

لباس او شامل پیراهن چین داری است که تا روی زانو ادامه داشته و قسمت پایین آن مدور می‌باشد، شلوار نیز بلند و چین دار است که به وسیله نوار روبان داری به کف پا بسته شده است .

کمر بند او باریک و به وسیله ردیفی از مهره‌های مرواریدی تزیین شده است، همچنین در قسمت جلو پاپیونی به کمر بند آویخته شده است، در قسمت پایین کمر بند، حمایلی جواهر نشان بسته که شمشیری به آن آویخته است .

در سمت راست شاه، پیکره اهورا مزدا به حالت ایستاده با صورتی سه ربعی و بدنی تمام رخ نقش شده که دست چپ را به کمر زده و با دست راست حلقه روبان داری را به شاه اهدا می‌کند .

او دارای صورتی کشیده و ریش بلندی است، موهای سرش مجعد و به صورت انبوه بر روی شانه‌ها آویخته شده است .

او نیز گوشواره‌ای بر گوش و گردنبندی در گردن دارد، تاج اهورا مزدا از نوع تاج‌های کنگره‌دار است، به طوریکه پایه تاج به وسیله ردیفی از مهره‌های مروارید تزیین شده و در بالای تاج نیز بخشی از موهای سر به صورت انبوه و بدون پوشش رها شده است .

لباس او شامل پیراهن چین داری است که تا روی زانو ادامه داشته و شلوارش چین دار و شبیه به شلوار شاه می‌باشد، همچنین کمر بند او شبیه به کمر بند اردشیر دوم است .

در سمت چپ اردشیر دوم پیکر ایزدمهر با صورت و بدنی سه ربعی نقش شده که بر روی گل نیلوفر بزرگی ایستاده است، متاسفانه جزئیات صورت او آسیب دیده ولی براساس آنچه که باقی مانده، ریش او کوتاه و مجعد است، همچنین جزئیات تاج او از بین رفته و تنها روبان‌های آویخته شده در پشت تاج دیده می‌شود .

بر دو سر این ایزد هاله‌ای از نور دیده می‌شود، در دست‌های او دسته‌ای از شاخ‌های نباتی مخصوص اعمال مذهبی که برسم نامیده می‌شود، قرار دارد .

لباس ایزد مهر شبیه لباس اهورا مزداست، در زیر پای اهورامزدا و اردشیر دوم، پیکره دشمن شکست خورده‌ای نقش شده که متاسفانه بخش زیادی از آن از بین رفته است .

جزئیات صورت او آسیب دیده ولی با توجه به آنچه که باقی مانده ریش او ساده و با خطوط مواج عمودی نشان داده شده است، همچنین موهای سر او ساده است، تاج او به شکل سربندی است که به وسیله سه ردیف مهره‌های مرواریدی و پلاک مدوری در مرکز تزیین شده است .

این شخص گردن بندی بر گردن دارد که شامل یک ردیف مهره‌های مدور است، لباس او شامل پیراهن بلندی است که تا قوزک پا ادامه دارد . این شخص چکمه‌های ساقه کوتاهی پوشیده و شمشیری بر کمرش بسته است .

درباره هویت واقعی این شخصیت، اختلاف نظرهایی وجود دارد برخی از محققین این پیکره را متعلق به یکی از شاهان شکست خورده کوشان می‌دانند ولی امروزه بسیاری از محققین آن را به "جولیانوس" امپراتور روم نسبت می‌دهند که در سال ۳۶۲م به دست اردشیر دوم کشته شده است .

این تفسیر تازه به سرعت راه‌خوبش را در محافل ایران شناسی باز کرده است .

ایوان کوچک:

این ایوان به صورت فضایی مستطیل شکلی به عرض ۵/۹۶ متر، عمق ۳/۸۰ متر و ارتفاع ۵/۳۰ متر است، در دو طرف ورودی این ایوان ، دو جرز چهار گوش به پهناي ۹ سانتی متر و بلندی ۲/۳۷ متر وجود دارد .

بر بالای این جرزها اتاقی با قوس نیم دایره‌ای قرار گرفته که ۱۰ سانتی متر از سطح داخلی جرزها عقبتر رفته است، دیوار انتهای این ایوان به دو بخش تقسیم شده است .

در بخش فوقانی، طاقچه‌ای به عمق ۳۰ سانتی متر و بلندی ۲/۹۳ متر ایجاد شده است، در داخل این طاقچه، پیکره‌های شاهپور سوم و پدرش شاهپور دوم و همراه با کتیبه‌هایی به خط پهلوی و به زبان فارسی میانه حجاری کرده‌اند .

در این صحنه هر دو شخصیت به حالت ایستاده با صورتی نیم رخ و بدنی تمام رخ نقش شده‌اند، هر دو، دست راست را بر قبضه شمشیر و دست چپ را بر قسمت فوقانی غلاف قرار داده‌اند .

پیکره شاپور دوم، دارای چشمانی درشت، ابروانی کمانی و ریش بلندی است که انتهای آن در حلقه‌ای فرو رفته است، موهای سر او مجعد و به صورت انبوه بر روی شانه‌ها آویخته شده است .

تاج او از نوع تاجهای کنگره دار است که پایه آن به وسیله مهره‌های مرواریدی تزیین شده و در بالای تاج نیز گوی بزرگی قرار گرفته است، به پشت تاج نیز روبان بلندی آویزان است .

شاپور دوم گوشواره‌ای بر گوش و گردن بندی در گردن دارد که شامل یک ردیف دانه‌های مروارید درشت است .

لباس او شامل پیراهن چین داری است که تا روی زانو ادامه داشته و در قسمت پایین مدور می‌باشد، به کمر او نیز کمربندی بسته شده که در قسمت جلو پاپیونی به آن آویخته است ، همچنین شلوار او بلند و چین دار می‌باشد .

پیکره شاپور سوم نیز شبیه پیکره پدرش است تنها تفاوت این پیکره‌ها در شکل تاج آن‌ها می‌باشد که متاسفانه جزئیات تاج شاپور سوم آسیب دیده است .

مطابق با نوشته‌های کنار این پیکره‌ها، می‌توان هویت واقعی آنها را شناسایی کرد .

سنگ نوشته مربوط به شاپور دوم شامل ۹ سطر است که ترجمه آن چنین است :

"این پیکری است از بغ مزدپرست، خدایگان شاپور، شاهنشاه ایران و انیران که چهر از یزدان دارد، فرزند بغ مزدا پرست، خدایگان هرمز، شاهنشاه ایران و انیران که چهر از ایزدان دارد، نوه خدایگان نرسه شاه شاهان" سنگ نوشته مربوط به شاهپور سوم شامل ۱۲ سطر است که ترجمه آن چنین است :

"این پیکری است از بغ مزدپرست ، خدایگان شاپور ، شاهنشاه ایران و انیران که چهر از یزدان دارد، فرزند بغ مزدا پرست خدایگان شاپور، شاهنشاه ایران و انیران که چهر از ایزدان دارد ، نوه خدایگان هرمز و شاهنشاه " ادامه دارد

نقش برجسته و کتیبه بیستون (فرهاد تراش):



بیستون پس از ثبت تخت جمشید، چغازنبیل، نقش جهان، تخت سلیمان، پارساگارد، بم و منظر فرهنگی آن و سلطانیه، هشتمین اثر ایرانی است که در **فهرست جهانی یونسکو** به ثبت می رسد. سنگ نبشته سه زبانه بیستون، به نخستین سال فرمانروایی داریوش بزرگ از زبان خود او می پردازد. سالی که داریوش، سراسر آن را در جنگ با شاهان دروغزن سپری کرد. پس از کشته شدن بردیا و افتادن حکومت به دست داریوش، در سراسر امپراطوری هخامنشی ۱۹ شورش بزرگ و کوچک اتفاق افتاد. داریوش بزرگ پس از اینکه این شورش ها را فرونشاند تصمیم گرفت که مردم امپراطوریش را (و جهان پس از خود را) در جریان چگونگی به دست گرفتن قدرت و نخستین سال فرمانروایش

قرار دهد. او این بنا را در بیستون بر سر یک راه کهن به ثبت رساند. راهی پر رفت و آمد که محل عبور کاروانها و نظامیان از بابل و بغداد به سوی کوههای زاگرس و همدان بود و به علت جایگاه ویژه اش که از دیر باز سرزمین خدایان (بغستان) نامیده می شد، شهرت داشت. این نقش برجسته -نگاره داریوش و اسیران- در سطحی عمودی به بلندی ۳ متر و در پهنا ۵/۵ متر قرار دارد. داریوش لباس پارسی بر تن کرده، ریشی آشوری دارد و افسری کنگره دار بر سر گذاشته است و در سمت چپ مجلس بیستون قرار دارد. اندازه داریوش در مقایسه با اسیران برای نشان دادن شکوه و عظمت این مجلس، بزرگ تر می باشد. بلندی قامت اسیران ۱/۱۷ و بلندی قامت داریوش ۱/۷۲ متر می باشد. دو تن از یاران داریوش (هفت تن)، شامل ویندقرناه کمان دار و گنوبروه (گوبریاس) نیزه دار، پشت سر او ایستاده اند. داریوش که در دست چپش کمانی دارد، پای چپ خود را بر سینه نخستین دشمنش، گئومات مَغ گذاشته است و گئومات دست هایش را به حالت التماس به بالا دراز کرده است. پشت سر گئومات ۸ تن اسیر قرار دارد. که به ترتیب نام های آنها آثرین، ندئیت بَ ئیر، فرورتیش، مرتی ی، چیسن تخمه، وه یردات، آرخ و فراد می باشند. گردن های این اسیران را با طناب به یکدیگر و دست هایشان را از پشت سر بسته اند .

بعدها اسیر نهم یعنی سکونخای سکایی با خود تیز به جمع اسیران اضافه گردید. بر فراز سر اسیران، رو به روی داریوش، نگاره قَرَوهر قرار دارد و داریوش دست راست خود را به نشانه نیایش اهورامزدا به بالا بلند کرده است .

امروزه از سنگ نبشته بیستون ۴ متن در دست داریم: متن پارسی باستان، متن عیلامی، متن بابلی و متن ترجمه آرامی متن پارسی باستان که ظاهراً به صورت بخشنامه برای آگاهی ساتراپی های گوناگون به جاهای دور و نزدیک فرستاده شده است که نسخه ای از آن در اِلِفانتین مصر به دست باستان شناسان افتاده و در بابل هم قطعه ای از نگاره بیستون به دست آمده است .

داریوش در بیستون (ستون ۲ بند ۱۵) می گوید: تو که پس از این، این نبشته و نگاره را می بینی، مبادا به آنها آسیب بزنی. تا می توانی آنها را همان گونه که می بینی، نگهداری کن. ولی گذر زمان و فرسایش های ناشی از باران و باد تمام سنگ نبشته ها را و مخصوصاً سنگ نبشته به زبان بابلی را دچار آسیب های فراوانی کرده است. ولی بیشترین خسارت در همین قرن اخیر اتفاق افتاده است. زمانی که سربازانی که در جنگ جهانی دوم در پایین جاده بیستون گشت زنی می کردند، نگارها و کتیبه با ارزش بیستون را هدف گرفتند و آسیب های جبران ناپذیری را به این اثر تاریخی وارد نمودند. ولی ما باید از داریوش بزرگ سپاسگزاری کنیم بخاطر اینکه بعد از اتمام کار بنای یادبود بیستون، فرمان داد که زیر این بنای یادبود را بتراشند و همین عمل باعث شد که تا قرن‌ها دست بشر این اثر با ارزش تاریخی را لمس نکند و از آسیب های ناشی از خوی زشت انسانها دور نگهداشته شود.

نکته جالبی که در مورد این نقش برجسته وجود دارد شباهت زیاد آن با نگاره شاه لولوبی ها، آنوبنی نی است که در ۱۴۰ کیلومتری بیستون در سرپل ذهاب قرار دارد. در این نگاره هم آنوبنی نی (آنوبانینی) کمانی در دست چپ و تبرزینی در دست راست خود دارد و پای خود را بر سینه دشمنی که بر زمین افتاده، نهاده است و الهه ایشتار در حال دادن حلقه حکومت به اوست. شش اسیر در زیر پای آنوبنی نی نقش بسته اند. دو اسیر هم رو به روی آنوبنی نی در حالیکه دستهایشان از پشت، بسته شده و طنابی به گردن یکی از آنها آویخته شده. این احتمال وجود دارد که داریوش پیش از فرمان حجاری ها در بیستون، نگاره آنوبنی نی را دیده بوده است و یا شاید هم این شباهت فقط یک تصادف باشد.

محل انتخاب شده برای تراشیدن سنگ‌نگاره و سنگ‌نبشته **بیستون**، جایی در ارتفاع چند ده متری سطح زمین و در دامنه‌ی رو به جنوب کوه انتخاب بوده است. به نظر می‌رسد که در زمان ساخت، راهی برای دستیابی آسان به محل کارگاه وجود داشته. بقایای مبهم پلکانی در بخش‌های بالایی کوه و نیز آثار تراشیدن تخته‌سنگ‌های زیر کتیبه تا نزدیکی‌های زمین، نشان‌دهنده وجود راهی به سوی بالا است. راهی

که سنگ‌تراشان پس از پایان کار و به هدف دسترس ناپذیر کردن کتیبه، در ضمن پایین آمدن، آنرا نیز تراشیده و محو کرده‌اند. نبشتن کتیبه‌ای تاریخی در چنین بلندی دست ناپذیری که از پایین کوه نیز به هیچوجه قابل خواندن نیست، نشان‌دهنده اینست که داریوش این متن را نه برای مردمان روزگار خود، بلکه منحصراً برای آیندگان نوشته بوده است. آثار حجاری شده در بیستون از نگرگاه فن‌آوری و سازوکار ساخت، از بهترین نمونه‌های هنر هخامنشی است. ما از ابزارها و شیوه‌های ساخت و پرداخت چنین نگاره‌هایی بر روی سنگ آهک که هنوز پس از ۲۵۰۰ سال بسیار صیقلی و براق هستند، اطلاعی در دست نیست. با توجه به رنگ لعاب‌گونه و قهوه‌ای مانندی که پس از همراه شدن با ذرات اکسیده شده عناصر آمیخته سنگ آهک، در سراسر نمای کتیبه به چشم می‌خورد و نیز با توجه به اینکه در داخل حروف چند سطر نخست متن پارسی باستان، بقایای سرب دیده شده است. به نظر می‌رسد که پس از پایان نوشتن متون، داخل آنها را برای پایداری بیشتر با سرب، و تمام نمای کتیبه را با اندودی که برای ما ناشناخته است، پوشانده بوده‌اند. در حین ساخت، هر کجا که به دلیلی سطح سنگ تخریب می‌شد، قطعه سنگ دیگری را به اندازه محل تخریب شده می‌تراشیده و در جای آن نصب می‌کرده‌اند. نمونه این وصله‌ها در قوس کمان داریوش و سردار همراه او و نیز در کلاه و دست "گویی بالدار" (نشان ملی ایران باستان و نماد خورشید و اهورامزدا) دیده می‌شود.



گشت ها:

دیدنی ها: دریاچه آرام زریوار در مریوان ، اورامان تخت ، دره زیبای اورامان ، مراسم آیینی پیر شالیار و فرهنگ اصیل کردی ، گردنه ژالانه ، رودخانه سیروان ، روستای هجیج ، چشمه خروشان و آبشار بل ، غارآبی قوری قلعه، شهر هزار ماسوله پاره ، طاق بستان در کرمانشاه ، سنگ نبشته های بیستون

خدمات:

۲ شب و ۴ روز گشت

۲ شب اقامت در هتل های ۴ ستاره مریوان و کرمانشاه

۱ شب اقامت در روستای هجیج (چادر، مدرسه یا امکانات محلی)

تمام وعده های غذایی

بیمه حوادث مسافرتی

-راهنما

-حمل و نقل با هواپیما از تهران به سنندج ، مینی بوس از سنندج تا کرمانشاه و هواپیما از کرمانشاه به تهران

مدت برنامه:

۴ روز ، از ساعت ۶ صبح روز پنجشنبه ۸۷/۲/۱۲ از فرودگاه تا ساعت ۲۱/۳۰ یکشنبه ۸۷/۲/۱۵.

هزینه سفر:

۲/۹۷۰/۰۰۰ ریال

برنامه سفر:

- مراحل اجرای تور ۲ شب ۴ روز اورامان (پیر شالیار)

- ۱۳۸۷/۲/۱۲ (پنجشنبه)
- روز اول ساعت ۷:۴۵ ورود به فرودگاه سنندج ، ساعت ۸:۰۰ صرف صبحانه در پارک جنگلی آیدر (مدت زمان یک ساعت)
- ساعت ۹:۰۰ حرکت به سمت روستای نگل زیارت قرآن تاریخی نگل الی ساعت ۱۱:۳۰ (مدت زمان مسافت ۱:۳۰) (مدت زمان زیارت قرآن نگل یک ساعت)
- ساعت ۱۱:۳۰ حرکت به سمت مریوان ساعت ۱۳:۰۰ صرف نهار در رستوران هتل زیروار مریوان ، اسکان در هتل
- ساعت ۱۵:۰۰ بازدید از دریاچه زیروار ، قایق سواری و تفریح در کنار دریاچه تا ساعت ۱۷:۰۰ ، ساعت ۱۷:۳۰ بازدید از بازار مریوان تا ساعت ۱۹:۳۰
- ساعت ۱۹:۳۰ محل تجمع تعیین شده ، حرکت به سمت هتل استراحت و صرف شام تا ساعت ۲۱:۳۰
- ساعت ۲۱:۳۰ شرکت در برنامه موسیقی رقص محلی
- ۱۳۸۷/۲/۱۲ (جمعه)
- روز دوم ساعت ۶:۰۰ حرکت به سمت اورامان تخت جهت شرکت در مراسم **کومسای** پیرشالیار، ساعت ۹:۰۰ توقف در اورامان تخت و شرکت در مراسم کومسای پیرشالیار تا ساعت ۱۲:۰۰ ، صرف نهار تا ساعت ۱۳:۰۰
- ساعت ۱۳:۱۵ حرکت به سمت آبشار **بل** بازدید از آن در ساعت ۱۵:۳۰
- ساعت ۱۶:۰۰ حرکت به سمت روستای هجیج، ۱۷ اسکان در بیلاق (ناو یا کلجی) *از روستا تا ساعت ۱۸:۳۰ ، اقامت در چادر ، صرف شام در ساعت ۱۹:۳۰ الی ۲۰:۳۰*
- ۱۳۸۷/۲/۱۴ (شنبه)
- روز سوم صرف صبحانه ساعت ۷:۰۰ الی ۸:۰۰
- ساعت ۸:۰۰ حرکت به سمت پاه و غار قوری قلعه، صرف نهار و بازدید از غار قوری قلا تا ساعت ۱۸:۳۰

- ساعت ۱۸:۴۵ حرکت به سمت کرمانشاه اسکان در هتل ۴ ستاره جمشید ساعت ۲۰:۱۵ و صرف شام
- ۱۳۸۷/۲/۱۵ (یک شنبه)
- روز چهارم ساعت ۷:۰۰ صرف صبحانه تا ساعت ۸:۰۰
- ساعت ۸:۱۵ حرکت به سمت بیستون بازدید از بیستون تا ساعت ۱۱:۳۰
- ساعت ۱۱:۴۵ حرکت به سمت طاق بستان ساعت ۱۳:۰۰ صرف نهار در طاق بستان و بازدید از طاق بستان تا زمان پرواز
- حرکت به سمت فرودگاه و بازگشت به تهران با هواپیما
-

مهلت و نحوه ثبت نام:

ثبت نام **حداکثر** تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۸۷/۲/۳ و به صورت واریز وجه به شماره حساب ذیل انجام می شود.
حساب پس انداز بانک ملت قلهک بنام فریدون نجفی تبار شماره حساب ۲۰۹۹۴۶/۵ به شماره حسابگری ۶۵۰۵۲.
(لطفا پس از واریز وجه با شماره 0912-1079644 تماس گرفته و شماره فیش واریزی را اعلام فرمائید و یا حواله را به شماره ۲۲۶۴۳۱۴۸ فکس نمایید، همچنین فیش بانکی را در روز حرکت به سرپرست برنامه ارائه نمائید.)

توجه:

- ارائه فیش بانکی به سرپرست برنامه هنگام شروع سفر، الزامی است.
- **امکان تغییر و جابجایی در برنامه های یاد شده با توجه به شرایط وجود دارد.** (در برخی از برنامه ها با توجه به شرایط جوی و یا وضعیت جاده ها و یا هرگونه اتفاق پیش بینی نشده و ناگهانی ممکن است تغییراتی در سفرنامه داده شود که سرپرست برنامه در محل تصمیم گیری خواهند نمود)
- کلیه ورودیه ها (موزهها و مکانهای تاریخی) بر عهده **شرکت کننده** می باشد.

- در صورت انصراف تا ۱۰ روز قبل از اجرای سفر ۸۰٪ و از ۹ تا ۵ روز قبل ۵۰٪ مبلغ فیش بانکی قابل بازپرداخت خواهد بود؛ بدیهی است پس از آن موعد (۸۷/۲/۷) هیچ گونه وجهی مسترد نخواهد شد .

لوازم ضروری سفر:

کارت شناسایی یا شناسنامه، داروهای شخصی، (کرم ضدآفتاب) لوازم بهداشتی شخصی، حوله، ملحفه، قمقمه آب، کفش راه پیمایی مناسب، لباس گرم، کلاه، عینک آفتابی، کیسه خواب و چادر، دوربین عکاسی و چراغ قوه .

قوانین تورها :

- همراه داشتن کارت شناسائی الزامیست
- رعایت حقوق گردشگران و همسفران تور و پرهیز از کلیه اعمالی که در عرف و قانون، ممنوع و غیر اخلاقی می باشد.
- در صورت کنسلی تور توسط مجری که بنا به دلایل جوی و موقعیتی انجام می گیرد هزینه تور بطور کامل مسترد می گردد.
- عزیزانی که دارای بیماری خاص می باشند می بایست حتما "قبل از ثبت نام مسئول تور را در جریان بگذارند.
- رعایت شئونات و پوشش اسلامی برای کلیه میهمانان الزامی بوده و عواقب عدم رعایت آن بعهد مسافر می باشد.
- **همراه داشتن ظروف شخصی الزامی است ؛ برای جلوگیری از آسیب به طبیعت، ظروف یکبار مصرف در اختیار گذاشته نخواهد شد .**